

عوامل و موانع پیشرفت در کلام صائب تبریزی با رویکرد تعالی اخلاق فردی و اجتماعی

شهیندخت صانعی^۱

چکیده

برای طراحی نقشه پیشرفت اسلامی ایرانی، نگاه بومی و ایرانی به این الگو اجتناب‌ناپذیر است. در همین راستا این مقاله با هدف زمینه‌سازی توسعه اخلاق اسلامی به طور عام و ایجاد الگویی بومی و ایرانی با رویکرد اخلاق فردی و اجتماعی به طور خاص، زبان و ادبیات فارسی را وسیله‌ای کارآمد برای ایجاد نگرش و بینشی نو با توجه به آداب و سنن اجتماعی و دینی دانسته و از میان سخن پارسی‌سرایان بزرگ ایران عزیز، شعر صائب تبریزی را برگزیده است زیرا دریافته است که صائب، برای رفع موانع پیشرفت، جوامع بشری، اجتماع و حتی شاهان را به شناخت معایب اخلاقی و رفتاری خویش فرامی‌خواند. او در این راه بیشتر از روش قرآن یعنی تمثیل بهره می‌گیرد تا ملموس‌تر سخن گوید. او با مشاهده زندگی معمولی مردم، تمثیل‌ها را به زبان عامه آفریده است؛ زیرا در این زمان، شعر مردمی است و این شاعر حکیم با سربلندی در این راه موفق گردیده و سخنش مکتب‌ها آفریده و طالبان فراوان در جهان یافته است. شاعر با گرمی‌داشتن زبان و راه و رسم نیاکان و زنده نگاه داشتن راه و رسم آدمیگری، در جهت عرضه این احساس به جامعه کوشیده و با نشان دادن چاه‌های ضلالت، به پند و اندرزهای اخلاقی پرداخته و با دادن الگویی مناسب، مشوق بشریت برای رسیدن به قلّه‌های رفیع انسانیت، عبودیت و اخلاق فردی و اجتماعی است.

واژه‌های کلیدی: پیشرفت، اخلاق فردی، اجتماعی، صائب تبریزی

۱. مدرس پژوهشگاه دفاع مقدس و دانشگاه جامع علمی کاربردی sh.saneei43@gmail.com

۱. مقدمه

اگر به بندگی ارشاد می‌کنیم تو را اشاره‌ای است که آزاد می‌کنیم تو را
مساز رو ترش از گوشمال ما صائب که ما به تربیت استاد می‌کنیم تو را
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۹۱)

اصولاً هنگامی که سخن از اخلاق به میان می‌آید، بسیاری از مردم، حتی بعضی از اهل فضل و دانش، آن را یک امر مستحب و در حاشیه‌ی زندگی می‌دانند، در حالی که بیشتر مشکلات فردی و اجتماعی انسانها، دقیقاً و مسلماً ناشی از ضعف‌های اخلاقی است، مشکلات و گرفتاری‌ها و بن بست‌های جهانی نیز درست از فقر اخلاقی جوامع و مخصوصاً سرانشان سرچشمه می‌گیرد. اخلاق سرمایه‌ی اصلی انسان‌ها و کلید حل مشکلات مهم اجتماعی و خمیرمایه‌ی تمدن و ستون فقرات یک زندگی اجتماعی سالم و بهترین وسیله برای انسان در سیر الهی است، به همین دلیل تا زمانی که مسائل اخلاقی در جوامع انسانی حل نشود هیچ مسأله‌ای حل نخواهد شد.

تهذیب نفوس، تزکیه‌ی قلوب و تکمیل مکارم اخلاق به عنوان یکی از اهداف اصلی بعثت پیامبر بزرگ اسلام (ص) در قرآن کریم و روایات اسلامی شمرده شده است، و پیشوایان اسلام و بزرگان دین و حتی شعرای بنام جهان مانند مولانا، سعدی، حافظ، صائب و دیگران قسمت عمده‌ی عمر پر برکت خود را وقف ترویج این امر کردند.

از آنجایی که زبان و ادبیات فارسی در بسط و گسترش تمدن اسلامی بخصوص با محوریت اخلاقیات، نقش به‌سزایی داشته و دارد و نمی‌توان خدمات متقابل اسلام و زبان و ادبیات فارسی را نادیده گرفت، طبیعی است، عدم توجه به رسالت راستین آن، از دغدغه‌های بزرگ مقام عظمای ولایت باشد!

یکی از دغدغه‌های مطرح شده از سوی رهبر انقلاب اسلامی در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی (1392/09/19) وضعیت کنونی زبان فارسی است. ایشان فرمودند:

«زبان فارسی یک روزی از قسطنطنیه‌ی آن روز، از استانبول آن روز، زبان علمی بوده تا شبه قاره‌ی هند. در آستانه - مرکز حکومت عثمانی - زبان رسمی در یک برهه طولانی از زمان،

زبان فارسی بوده. در شبه قاره هند برجسته‌ترین شخصیت‌ها با زبان فارسی حرف می‌زدند... اما ما در کانون زبان فارسی، داریم زبان فارسی را فراموش می‌کنیم» (farsi.khamenei.i)

۲. بیان مسئله:

از آنجا که پایبندی به اصول اخلاقی در ایران اسلامی راه‌های پیشرفت و تعالی را هموار خواهد ساخت، آیا صائب‌تبریزی به عنوان یک شاعر شهیر مسلمان ایرانی، وسیله‌ی اشعار تعلیمی خویش تلاش کرده است با توجه به تعالیم اسلامی - آن هم در زمانی که تشیع جان تازه می‌گیرد- به نگرش و بینشی نو ایجاد کند و بستر مناسبی در ساحت اجتماع برای ایجاد تحولات اساسی در روند الگوسازی اخلاقی و تربیت اجتماعی و فردی بوجود آورد؟

۳. هدف و انگیزه تحقیق

هدف نهایی این پژوهش، این است که نشان دهد زبان و ادبیات فارسی وسیله‌ای کارآمد برای ایجاد نگرش و بینشی نو با توجه به آداب و سنن اجتماعی و دینی است و با توجه به روح لطیف و احساسات بشری، بستر مناسبی در ساحت اجتماع برای ایجاد تحولات اساسی در روند اخلاق و تربیت اجتماعی و فردی بوجود می‌آورد تا با ساختن افراد به جامعه‌ای دست یابد که الگویی برای پیشرفت و تعالی اسلامی انسان‌ها باشد.

۴. ادبیات و رسالت تعالیم اسلامی

قابل ذکر است که ادبیات فارسی دری از همان آغاز پیدایش و توسعه خود، ادبیاتی اسلامی محسوب می‌شد، حتی برخلاف ادبیات عربی، یک دوری جاهلی هم پشت سر نداشت. لاجرم تأثیر اسلام در آن، تأثیری خارجی نبود، بلکه ادامه‌ی تأثیر محیط پیدایش آن بود. در ادوار بعد هم مثل دوران پیدایش نخستین شعر و نثر فارسی، ادبیات ایرانی همچنان به موضوع‌های مذهبی و دینی بخصوص اخلاقیات، علاقه مند ماند؛ حتی در جریان‌های الحادی که نوعی طغیان بر ضد این‌گرایش بود، این دین‌گرایی در تمام قرون نخستین اسلامی و بعد از آن، ویژگی مهم ادبیات اسلامی ایران است. محققان تاریخ و ادبیات ایران هم آن را به عنوان واقعیت پذیرفته‌اند. با این همه، در توجیه و تحلیل آن، برخی از پژوهندگان مثل آربری و ریپکا عقایدی اظهار کرده‌اند که غیر کافی و محتاج به تصحیح و تکمیل است. (ر.ک. ریپکا، ۱۹۶۸) این نکته که بسیاری از مذاهب و فرقه‌های اسلامی و همچنین

اکثر نهضت‌های مذهبی قرون نخستین اسلام و بعد از آن از ایران برخاسته‌اند، شاهدی بر واقعیت این ویژگی است. (ر.ک. براون. ۱۹۵۱)

در بین قدیمی‌ترین نمونه‌های شعر فارسی که به علت انتساب به دربارهای عصر، محل مناسبی برای انعکاس احساسات دینی و اخلاقی نیست، نشانه‌های این گرایش مذهبی را می‌توان ردیابی کرد. مثلاً رودکی در قصیده‌ای از دوران جوانی با لحنی تائبانه یاد می‌کند و دنیا را به رؤیا و افسانه همانند می‌سازد. «در بعضی قطعات که از شهید بلخی، ابوطیب مصعبی، خسروی سرخسی و کسایی مروزی در تذکره‌ها آمده است، مضمون‌هایی چون اعتقاد به تقدیر و سرنوشت، ضرورت تأمل در بی‌ثباتی عالم، اشتیاق به عالم دیگر وجود دارد.» که البته انعکاس روح مذهب گرای، و در عین حال تصویری از عقاید و افکار رایج در محیط اسلامی است. (زرین کوب، ۱۳۶۳: ۲۱۴-۲۳۴)

در گذشته، بسیاری از معارف دینی هم به زبان فارسی به رشته‌ تحریر درآمده بود، این نشان می‌دهد که زبان فارسی چقدر توانسته در تحکیم و ترویج معارف اسلامی در بین کسانی که یا فارسی زبان بودند یا فارسی را می‌دانستند، مؤثر باشد. به همین دلیل زبان فارسی در بین کشورهای دور دست تمدن اسلامی پس از زبان عربی دومین زبان مذهبی محسوب می‌شود. با این نگرش باید گفت ضرورت آشنایی با گنجینه غنی شعر فارسی، که ابزاری برای ترویج دین و اخلاقیات است و زمینه‌های رشد و توسعه همه جانبه جوامع بشری را فراهم می‌کند، ضرورت شناخت ظرفیت‌های اجتماعی این زبان را دو چندان می‌کند. در تعلیم اخلاق عرفان اسلامی، کلام گهربار شعرای ایرانی چون: مولانا جلال‌الدین محمد بلخی، عطار نیشابوری، ابوالقاسم قشیری، خواجه عبدالله انصاری، حکیم ابوالقاسم فردوسی و به خصوص سعدی، حافظ و صائب تبریزی هر کدام خود به تنهایی گواهی بر این مدعا است.

** منابع مضمون‌های شعر صائب عبارتند از:

- ۱- انسان، جهان و اخلاق بشر.
- ۲- توجه به دو نیمه مادی و الهی بشر.
- ۳- توجه به نور و ظلمت، حیات و ممات جهان.

این تضادها در شعر او، مضمون‌های متضاد و نو می‌آفریند که شعر را به کمال و نتیجه‌عالی می‌رساند. ذهن او به دنبال یافتن نسبتی بین انسان و طبیعت و برعکس است.

۵. ارائه الگوهای رفتاری مکارم اخلاقی فردی و اجتماعی در شعر صائب

محور غزل سبک اصفهانی که مد نظر این مقاله است، اصولاً تعلیم اخلاق فردی و اجتماعی است. بنا بر این هدف سراینده آن آموزش اخلاق و تعلیم اندیشه‌های پسندیده مذهبی و عرفانی، اجتماعی، سیاسی و علوم و فنون می‌باشد. هر چند صائب از نداشتن گوش شنوا، گلایه دارد:

نیست گوش شنوا گمشدگان را و نه
تا به منزل همه جا بانگ درآ پیوسته است
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۲: ۷۵۶)

از این رو وی مردم را گاهی به خاطر داشتن رذایل اخلاقی که رکود اجتماعی را به دنبال دارد، مستحق گوشمال روزگار می‌داند:

طفل بازیگوش و بی پروا و خام و سرکشی
زان به دست گوشمال روزگارت داده اند
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۲۱۵)

صائب در بسیاری از ابیات خود برای مذمت یا مدح اخلاق مردمان از کنایه بهره می‌جوید و صنعت تمثیل را برای پند و اندرز و طرح مسایل اخلاق فردی و اجتماعی بهترین می‌داند و از این روست که شبلی نعمانی در مورد وی می‌گوید: «همه تمثیل گفته اند لکن اهمیت تمثیل‌های صائب این است که برای مضامین اخلاقی خاص استفاده شده است.»
(شبلی نعمانی، ۱۳۶۸، ج ۳: ۱۸۳)

۵-۱. پرهیز از دل بستن به مردم و پست و مقام دنیا:

گر از لباس برآیی نمی‌شناسندت
همین گروه که یک رنگ می‌نمایندت^۴
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۱۴)

۵-۲. کمک به ضعیفان و فقرا:

اگر افتاده‌ایی را همچو مور از خاک برداری
به کیش من به است از طاعت روی زمین کردن
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۶: ۳۰۱۳)

۵-۳. داشتن صدق نیت:

مکن روی در قبله، بی صدق نیت
که رسوا کند تیر کج را نشانه

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۶: ۳۲۳۸)

۴-۵. دوری از گفتار بی عمل:

روزگاری هم به من کردار بی گفتار ده

مدتی گفتار بی کردار کردی مرحمت

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۶: ۳۱۹۳)

۶-۵. ترس از قیامت:

در آفتاب قیامت چه کار خواهی کرد؟

چو هست فرصتی، آماده کن جواب اینجا

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۶: ۲۹۲۱)

۷-۵. پرهیز از تندخویی:

می خورد دل شمع دایم از زبان خویشتن

تند خویان می زند آتش به جان خویشتن

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۶: ۳۲۰۳)

۸-۵. پرهیز از غیر حق:

می کشی بر صفحه هستی خط باطل چرا؟

غیر حق را می دهی ره در حریم دل چرا؟

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۲)

۹-۵. توجه به مقام سکوت:

تا همچو صدف مهر نکردیم دهان را

در سینه ما قطره نشد گوهر شهوار

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۹۳)

۱۰-۵. دوری از خودکامگی:

تلخ دارد زندگی بر ما دل خودکام ما

طفل بازیگوش آرام از معلم می برد

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۱۳۳)

۱۱-۵. زیرک بودن:

ایمن مشو ز برق جهانسوز خوی گل»

هرچند خنده رو به نظر جلوه می کند

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۵: ۲۵۴۱)

۱۲-۵. در تهیدستی به فکر فقرا بودن:

که خون شیشه را نوشید جام آهسته آهسته

مشو از زیر دست خویش ایمن در تهیدستی

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۶: ۳۲۰۳)

۱۳-۵. نصیحت به ملوک در مردماری:

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

پشه با شب زنده‌داری خون مردم می‌خورد زینهار از زاهد شب زنده‌دار اندیشه کن
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۶: ۲۹۴۹)

۱۷-۵. دستگیری از فقرا و جزای دنیوی و اخروی آن:

«إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ : نیکی به دیگران ، نیکی به خود است.» «اسرا: ۷»

چون صدف هرکس که شد افتادگان را دستگیر چون نباشد در میان نیکی به فرزندش کنند
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۳: ۲۷۰)

۱۸-۵. تأکید بر عزت نفس:

شهباز من، ز دست شهبان طعمه می‌خورد نتوان چو سگ فریفت به هر استخوان مرا
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۱: ۳۵۳)

۱۹-۵. پرهیز از عداوت بیهوده:

خوش آن گروه که مست بیان یکدگرند زجوش فکر، می‌ارغوان یکدگرند
نمی‌زنند به سنگ شکست، گوهر هم پی رواج متاع دکان یکدگرند
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۴: ۱۸۸۶)

۲۰-۵. توجه در عبادت:

هزار گمشده را در نماز می‌یابی چرا به فکر خود ای بی‌خبر، نمی‌افتی؟
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۶: ۳۳۴۱)

حضور قلب بود شرط در ادای نماز حضور خلق تو را در نماز می‌آرد؟
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۴: ۱۷۹۱)

تجربه‌هایی که در شعرش مضمون می‌آفرینند فقط متعلق به زندگی شخصی او نیست؛ بلکه تجربه زندگی بشری است و مورد استفاده عام دارد. این مطلب را می‌توان در ابیاتی دید که در شعر او گلایه از فقر موج می‌زند؛ در حالی که وی از تمکن مالی بالایی برخوردار بوده است:

چون داغ لاله سوخته نانیست روزیم آنهم فلک به خون جگر می‌دهد مرا
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۱: ۳۵۱)

۶. بازتاب معارف و حیانی در شعر صائب

بازتاب معارف قرآن و حدیث در ادب و هنر ایران، یکی از جلوه های زیبایی اعتقادی است که بخصوص در عصر صائب هم، نظر شاعران و هنرمندان بسیاری را به خود جلب کرده است و به نوعی به عنوان خدمات متقابل معارف اسلامی و ادب و هنر مطرح است. در شعر فارسی آنجا که حکمت عملی مد نظر است تأثیر احادیث، اخبار و آیات قرآن دیده می شود. تأثیرپذیری دیوان صائب تبریزی از آیات قرآنی، نهج البلاغه، احادیث و کلام بزرگان، علاوه بر آراستگی ادبی، سبب تقویت و استحکام اشعاری است که با بهره گیری و استناد به این منابع عظیم، غرض خود را در تأیید دیدگاه های شاعر، به انجام رسانده و جای هیچ تردیدی را برای مخاطبان باقی نگذاشته است:

۶-۱. مهار کردن هوای نفس:

هوا را گر به فرمان کرده باشی دو صد بتخانه ویران کرده باشی

(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۶: ۳۴۰۳)

* تلمیح دارد به آیه: « وَلَا تَطْع مَنْ أَعْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَ اتَّبِعْ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرَهُ قُرْطًا » (کهف: ۲۸)

۶-۲. اعتراف به گناه و طلب آمرزش:

در گنه کاری به جرم خویشتن اقرار کن می کنی چون خواب باری در میان راه باش

(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۵: ۲۳۴۸)

* تلمیح دارد به آیه: « وَ الدّٰیْنِ اِذَا فَعَلُوْا فٰحِشَةً اَوْ ظَلَمُوْا اَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوْا اللّٰهَ فَاَسْتَغْفِرُوْا لِدُنُوْبِهِمْ وَ مِنْ يُّغْفِرُ الدُّنُوْبَ اِلَّا اللّٰهُ وَ لَمْ يَصْرُوْا عَلٰی مَا فَعَلُوْا وَ هُمْ يَعْلَمُوْنَ (آل عمران: ۱۳۵) »

این بهره گیری از منابع و حیانی نشان از وام داری ادب فارسی از متون اسلامی دارد که همواره در رگ آن جاریست.

۶-۳. «تسلیم» و توجه عرفانی و و حیانی:

تسلیم شو، و گرنه برای سبکسران تابیده اند از رگ گردن، طناب ها

بیدار شو! که در شب یلدای نیستی در پرده است چشم تو را طرفه خوابها

(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۱: ۳۸۶)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۶-۴. بصیرت داشتن:

ترا پرچون صدف شد گوش از سیماب در دریا وگر نه حلقه ذکر است هر گرداب در دریا
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۱، ۲۳۳)

* تلمیح دارد به آیه: « صَمٌّ بَكْمٌ عَمِيٌّ فَهَمٌّ لَا يَرْجِعُونَ » (بقره: ۱۸)

۶-۷. درک عدالت خداوند و محاسبه اعمال:

زنده و مرده به وادید ز هم ممتازند مرده دانیم کسی را که نبیند ما را
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۱، ۲۳۹)

* تلمیح دارد به آیه: « هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ » (انعام: ۵۰)

۶-۸. تنها توکل بر خدا و رزق از او طلبیدن:

رزق ارباب توکل می رسد از خوان غیب نیست از دریا اگر آبی به جو دارد صدف
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۴، ۲۴۸۴)

* تلمیح دارد به آیه: « وَ يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ »
(طلاق: ۳)

۶-۹. تواضع و تکریم به والدین:

گر دل خود زنده خواهی خاکساری پیشه کن به ز خاکستر لباسی نیست آتش پاره را
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۱، ۱۰۸)

* تلمیح دارد به آیه: « وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قَسِلْ رَبًّا اِرْحَمَهُمَا كَمَا
رَبَّيْتَانِي صَغِيرًا » (اسرا: ۲۴)

۶-۷. امر به شب زنده داری و عبادت:

در این دو وقت اجابت گشاده پیشانیست دل شب ار نتوانی سپیده دم برخیز
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۵، ۲۳۲۰)

* تلمیح دارد به آیه: « كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ » (ذاریات: ۱۷)

۶-۸. به نرمی سخن گفتن:

آب و رنگ صورت ظاهر دو روزی بیش نیست حسن اخلاق جمیل از روی زیبا بهتر است
(قهرمان ۱۳۶۷، ج: ۲، ۴۹۸)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

بر دل آزاده، حسن خلق بند آهن است از گل بی خار بیش از خار، دامن چیدنی است
(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۲: ۶۰۵)

* تلمیح دارد به آیه: «وَأِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا ميسورا»
(اسرا: ۲۸)

* تلمیح دارد به آیه: «و إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ و لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم: ۷)

۶-۹. طلب خشنودی پروردگار با شکیبایی:

«صبر بر تلخی بیداری شب کن صائب تا چو خورشید جهانتاب شکر خای صبح

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۲: ۱۱۲۴)

* تلمیح دارد به آیه: «الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ و أَقَامُوا الصَّلَاةَ و أَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًا و عَلَانِيَةً و يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عِزٌّ عِندَ رَبِّكَ» (رعد: ۲۲)

۶-۱۰. پرهیز از ظن و گمانو جاسوسی:

پرده پوش خلق باش؛ از صد بلا ایمن نشین تیره گردد از نفس آینه چون ستار نیست

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۲: ۶۳۲)

فغان که مردم کوتاه نظر نمی دانند که بستن نظر از عیب خلق، بینایی است

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۲: ۸۷۵)

بیوش چشم خود از عیب تا شوی بی عیب که عیبپوش کسان، پرده دار خود باشد

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۴: ۱۸۵۷)

* تلمیح دارد به آیه: «أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنْ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ و لَا تَجَسَّسُوا»
(حجرات: ۱۲)

۶-۱۱. غلبه بر شهوت خشم:

خشم است خوردن من و عیب است پوششم این است از زمانه لباس و غذا مرا

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۱: ۳۴۹)

نیست جز خشم و تو از جهل برون می فکنی لقمه تلخ نمایی که حلال است تو را

(قهرمان ۱۳۶۷ ج ۱: ۲۴۲)

* تلمیح دارد به آیه: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْغَافِلِينَ عَنِ النَّاسِ وَاَللَّهُ يَحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» (آل عمران: ۱۳۴)

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی ام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

۱۲-۶. وفای به عهد و پیمان :

گر اظهار پشیمانی کند، گردون مشو ایمن که بدعهد از پشیمانی، پشیمان زود می گردد
(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۳: ۱۳۸۳)

*تلمیح دارد به آیه: «وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» (اسراء: ۳۴)

۱۳-۶. دوری از حسادت :

حسد به اهل حسد کار می کند صائب چنانکه آتش سوزنده می خورد خود را
کجا ز بوته دوزخ خلاص خواهد یافت؟ کسی که پاک نکرده است از حسد خود را
(قهرمان ۱۳۶۷، ج ۱: ۲۹۳)

*تلمیح دارد به آیه: «وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (نساء: ۳۲)

۱۴-۶. حذر از سخن چینی:

جز پشیمانی سخن چینی ندارد حاصلی حلقه بیرون در کن در مجالس گوش را
سخن چین می کند تاریک، عیش صاف طبعان را مده در خلوت آیینه ره زنهار طوطی را
(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۴۱ و ۲۱۹)

*تلمیح دارد به آیه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبِيٍّ فَتَّبِعُوا أَن تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلَى مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ» (حجرات: ۶)

۷. نمونه ایی از بازتاب سخنان مولا علی در شعر صائب :

۷-۱. پرهیز از آرزوها و خطرات آن:

آرزو چند به هر سوی کشاند ما را این سگ هرزه مرس چند دواند ما را
(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۴۰)

*تلمیح دارد به سخن مولا علی ^ع: «إِيَّاكَ وَالْإِتْكَالَ عَلَى الْمَنِيِّ فَإِنَّمَا بَضَائِعُ النَّوَاكِي» (نامه ۹۴/۳۱)

۷-۲. توجه داشتن به دنیا به عنوان مزرعه آخرت:

سرت تا هست، تخم سجده ای در خاک کن صائب

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سیام و سی و یکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

که دارد سرفرازی ها در آن عالم ، سجود اینجا

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۱۶۲)

*تلمیح دارد به سخن مولا علی^ع : «وإنَّ اليومَ عملٌ و لا حسابٌ و غداً حسابٌ و لا عملٌ»
(خطبه ۳/۴۲)

۷-۳. توجه به نزدیکی مرگ:

تا در تردد است نفس، جان روانه است بر باد پای عمر، نفس، تازبانه است

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۲: ۹۸۰)

*تلمیح دارد به سخن مولا علی^ع : «نفس المرء خطاء الى اجله .» (حکمت ۷۴)

۸. نمونه هایی از بازتاب کلام بزرگان در شعر صائب:

۸-۱. دل نبستن مؤمنین به دنیا:

به پایان زود می آید بود شمعی که روشن تر در این عالم اقامت کم بود جان های روشن را

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۰۹)

*تلمیح دارد به سخن پیامبر اکرم^ص: «الدنيا سجن المؤمن وجنت الكافر» (مکارم الاخلاق ص ۴۶۲)

۸-۲. توصیه به صبر:

گر از روشندلانی، صبرکن بر داغ ناکامی که آب زندگی هرگز نیندازد سیاهی را

(قهرمان ۱۳۶۷. ج ۱: ۲۰۹)

*تلمیح دارد به سخن پیامبر اکرم^ص: «الصبر عند الصدمة الاولى» (نهج الفصاحه، ص ۳۴۴)

اخلاق در مضامین غزل عاشقانه صائب :

«حتی در اشعار عشقی صائب، موضوع اخلاق و حکمت موقعیتی بزرگ دارد. او

دوستدار اخلاقی بدون خیانت و همراه درستکاری و راستی است. سخاوتمندی را سفارش

می کند. آرمان او اینگونه است که انسان تا آن درجه تحقیر نمی شود که از خرمن آدم های بد،

خوشه چینی کند و رذل و بد شود. و این هم نیست که تلاش نکند و منتظر رسیدن نان از

آسمان باشد... در شعر او مضمون های انسان دوستانه همیشه در مقابل قصیده مدحیه قرار داشت

که محصول کار اکثر شاعران قرن ۱۶ و ۱۷م بود» (ادبیات شرق در عصرهای میانه، ۱۹۷۰: باب ۴: ۲۱۰)

بخش جمع بندی و نتیجه گیری :

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

از مجموع آنچه بیان شد، دریافت می‌شود که شعر صائب مجموعه‌ای از معارف بشری است. اگرچه مضمون پردازشی‌ها و نازک‌اندیشی‌ها گاه شعر او را دشوار فهم می‌سازد، در عوض لطایف حکمی و تعالیم اخلاقی شعرش را پر بها می‌کند. پیوند شاعر با قرآن کریم و بهره‌جویی او از مضامین و حیانی، شعر او را به کلام بزرگان دین و اولیای ادبیات فارسی، همچون مولانا و حافظ کاملاً نزدیک کرده است.

هر چند صائب را نمی‌توان یک عالم و مجتهد دینی دانست، اما می‌توان گفت در بسیاری از مواقع، شعرش دارای فرازهای بلند امر به معروف و نهی از منکر و به دنبال نمودن راه‌های پیشرفت جوامع بشری است و همین کافی است تا بتوان به او لقب معلم اخلاق داد. معلمی که گاه بی‌پرده و فاش نقص رفتاری مخاطب را گوشزد کرده، راهی خیرخواهانه را در مسیر رشد اخلاقیات فردی و اجتماعی برایش می‌گشاید. آری صائب تبریزی با توجه به منابع و حیانی تلاش کرده و توانسته است با ایجاد الگویی اسلامی و ایرانی، نگرش و بینشی نو، بستر مناسبی در ساحت اجتماع برای ایجاد تحولات اساسی در روند اخلاق و تربیت اجتماعی و فردی بوجود آورد.

و اینک که جامعه بشری بدون توجه به مکارم اخلاق در مسیر کفران نعمت انسانیت با شتاب پیش می‌رود بر ما ایرانیان است که به عنوان صاحبان و طلایه داران شعر و ادب فارسی، اگر نتوانیم دنیا را، لا اقل جامعه خویش را از معارف انسانی سیراب کرده و راه سعادت را باز یابیم.

چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

منابع فارسی:

۱. قرآن مبین، ۱۳۸۶، مترجم: حسین الهی قمشه‌ای، تهران: نشر مقربون
۲. انوری، حسن. ۱۳۷۱، مقدمه گزیده اشعار صائب تبریزی، شرح، جعفرشعار، زین العابدین مؤتمن، تهران: نشر بنیاد
۳. حافظ شیرازی، شمس الدین. ۱۳۷۰، الهی قمشه‌ای، تهران: سروش
۴. حسن پور آلاشتی، حسین. ۱۳۸۴، طرز تازه (سبک شناسی غزل سبک هندی)، تهران: نشر سخن
۵. دریاگشت، محمد رسول. ۱۳۷۱، صائب و سبک هندی در گستره‌ی تحقیقات ادبی، تهران: قطره
۶. دشتی، محمد. ۱۳۸۱، ترجمه نهج البلاغه، قم: مؤسسه امیرالمؤمنین^(ع)
۷. زرین کوب، غلامحسین. ۱۳۷۴، با کاروان حله (زائرهند)، تهران: نشر علمی، چاپ نهم
۸. شبلی نعمانی. ۱۳۶۸، شعر العجم، ج ۳، ترجمه: سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران: دنیای کتاب
۹. شمیسا، سیروس. ۱۳۶۹، سیر غزل در شعر فارسی، تهران: نشر فردوس
۱۰. صفا، ذبیح الله. ۱۳۶۳، تاریخ ادبیات در ایران، ج ۴ و ۵، تهران: امیر کبیر
۱۱. غلامرضایی، محمد. ۱۳۸۱، سبک شناسی شعر پارسی (از رودکی تا شاملو) تهران: نشر جامی
۱۲. فتوحی، محمود. ۱۳۸۵، نقد ادبی در سبک هندی، تهران: نشر سخن
۱۳. قهرمان، محمد. ۱۳۶۷ دیوان اشعار صائب تبریزی، محمدعلی، جلدی، تهران: نشر علمی و فرهنگی
۱۴. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن. ۱۴۱۴ هـ، مکارم الاخلاق، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
۱۵. موسوی بجنوردی، کاظم. ۱۳۸۳، اسلام پژوهشی تاریخی و فرهنگی، تهران: انتشارات مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی
۱۶. نهج الفصاحه ۱۳۸۳ (سخنان حضرت رسول اکرم (ص))، قم: مرکز انتشارات پرهیزکار
۱۷. یوسفی، غلامحسین. ۱۳۷۴، چشمه روشن، تهران: نشر علمی

*منبع روسی

Алиев Рустам. Шахнаме. Критический текст. Т. 8. над редакцией А. Озар. Москва, 1970 (ادبیات شرق در عصرهای میانه، روسی ۱۹۷۰ باب چهارم)

سایت ها:

http://www.tebyan-zn.ir/persian_literature.html

<http://farsi.khamenei.ir>